

کارگران جهان متحد شویم!

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



می 2020 - اردیبهشت 1399

شماره 81

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



با تمامی توان از حرکت اعتصابی و اعتراضی کارگران شرکت ذغال سنگ کرمان پشتیبانی کنیم!

حمله فاشیستی رژیم اسلامی علیه کارگران

افغانستانی در ایران در روز جهانی کارگر!

ابهامات در سخنان سخنگوی دستگاه قضایی

در مورد ملایمت در مواجهه با اعتراضات کارگری

سرمایه داری زندگی روی زمین را از بین خواهد برد!

کرونا، مهلک ترین تیر ترکش نظام سرمایه داری علیه بشریت،

بویژه طبقه کارگر است!

افزایش مزدها در گرو اعتراضات، اعتصابات

و هر چه متشکل تر شدن طبقه کارگر است

...و

نهادهای همبستگی با تمامی توان از حرکت اعتصابی و اعتراضی کارگران شرکت ذغال سنگ کرمان پشتیبانی می نمایند!

کارگران و انساهای مترقی!

بر پایه اخبار منتشره بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ کارگر شرکت ذغال سنگ کرمان که در تونل‌های متعلق به این شرکت، در سه شهرستان راور، کوهبنان و زرند کار می‌کنند، در اعتراض به تصمیم مدیران این مجموعه برای واگذاری سهام آن به بخش خصوصی، از روز (دوشنبه، ۱ اردیبهشت) دست از کار کشیده اند.

کارگران به قصد مدیران شرکت برای عرضه ۴۵ درصد از سهام شرکت در بورس و بی توجهی به دیگر خواسته‌ها و مطالبات خویش معترض اند. افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، پرداخت دیگر مزایای شغلی و لغو نقشه خصوصی سازی شرکت ذغال سنگ کرمان از مطالبات محوری کارگران اعتصابی است. مبارزه تاکتونی کارگران ایران پیرامون لغو خصوصی سازی صنایع و شرکت‌ها از جمله، اعتراضات کارگران هپکو و آذراب، نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، ماشین سازی تبریز و دشت مغان با وجود سراسری کردن مطالبه لغو خصوصی سازی‌ها نتوانسته است مانع این روند شود و کارگران را به نام اصلاح ساختار شرکت‌های واگذار شده، به شکل گسترده اخراج کرده اند. آنجا که مقاومت کارگران به مثابه سدی برای واگذاری‌ها عمل کرد نظیر آنچه که در نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز شاهد بودیم، خصوصی سازی را با درگیری و ضرب و شتم کارگران، بازداشت و سرکوب و تشکیل پرونده امنیتی و اخراج نمایندگان کارگران از کار پیش بردند.

وعده‌های مسئولان برای لغو خصوصی سازی بی پایه بود و به مجرد فروکش اعتراضات کارگری، طرح‌های واگذاری به بخش خصوصی را از سر گرفتند. آخرین نمونه از این دست نقشه جدید واگذاری هپکو به ۶ پیمانکار معدن زیرمجموعه ایمیدرو است، که بار دیگر موجبات نگرانی مجدد کارگران را فراهم آورده است.

با توجه به پیگیری برنامه‌های سوداگرانه و تبهکارانه خصوصی سازی از سوی حاکمیت، کارگران معادن ذغال سنگ کرمان راهی دشوار در پیش رو دارند. از روز دوشنبه گذشته ۲۲ اردیبهشت در ادامه اعتصاب، خانواده‌های کارگران هم به اعتصاب و اعتراض خیابانی پیوسته اند. در این شرایط دشوار همبستگی هر چه گسترده‌تر با کارگران معترض و حمایت از مطالبه مرکزی این کارگران در لغو نقشه خصوصی سازی، اهمیتی حیاتی یافته است.

فعالان نهادهای همبستگی، با همه توان از اقدام جسورانه ۳۵۰۰ کارگر و خانواده‌هایشان با وجود خطر کرونا پشتیبانی می‌کنند و در حد توان خویش برای رساندن صدای آنان در سطح جهان تلاش می‌ورزند.

**گسترده باد همبستگی و اتحاد هرچه وسیعتر جنبش کارگری!
نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**



<http://nahadha.blogspot.com/>
<https://t.me/nahadhayehambastegi>
19 می 2020

از مطالبات کارگران و لغو خصوصی سازی شرکت زغال سنگ کرمان حمایت می کنیم!

فراخوان عام!
به کارگران و عموم آزادیخواهان:

کارگران معدن زغال سنگ کرمان بیش از ده روز است که برای مطالبات خود دست به اعتراض زده اند. کارگران خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت دیگر مزایای شغلی هستند. اما آنچه کاسه صبر این کارگران را لبریز کرده و در این شرایط کرونایی به همراه خانواده های شان به راهپیمایی و تجمعات اعتراضی در سطح شهرهای زرنند، کوهبنان و راور کشانده برنامه خصوصی سازی و واگذاری زغال سنگ کرمان به شرکت دالاهو است. تجربه زیسته کارگران در واحدهای بزرگ تولیدی نشان می دهد که خصوصی سازی، با تشدید بحران تولید، اخراج و تعدیل نیروی کار، کاهش دستمزدها و مزایای شغلی همراه بوده و امنیت شغلی کارگران را از میان می برد. از هیکو تا نیشکر هفت تپه، کارگران هزینه های زیادی برای مخالفت با خصوصی سازی پرداخته اند و اکنون همین هزینه ها را قصد دارند به کارگران معادن زغال سنگ کرمان تحمیل کنند.

ما امضا کنندگان این فراخوان عام، حمایت خود را از مطالبه کارگران در لغو برنامه خصوصی سازی شرکت زغال سنگ کرمان در شهرهای زرنند، کوهبنان و راور اعلام می داریم و در این شرایط دشوار همه همکاران و حامیان حقوق کارگران را به همبستگی با کارگران شرکت زغال سنگ کرمان فرا می خوانیم.

لطفا امضاء های خود را به نشانی زیر بفرستید:

farakhaneam@gmail.com

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کنند:
از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

حداقل مزد، شورای عالی کار و نگرشهای پیرامون آن

افزایش مزد در گرو اعتراضات، اعتصابات
و هر چه متشکل تر شدن طبقه کارگر است!

با حضور فعالین کارگری و سیاسی

یکشنبه 31 می 2020 - 11 خرداد 1399

ساعت 19.00 بوقت اروپای مرکزی، به وقت ایران 21.30

پالتاک

Osage: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

گسترده باد همبستگی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی!

nhkommittehamahangi@gmail.com

حمله فاشیستی رژیم اسلامی علیه کارگران افغانستانی در ایران در روز جهانی کارگر!

روز اول ماه مه، مامورین مرزبان رژیم جمهوری اسلامی طی یک حمله فاشیستی، حدود شصت نفر از اتباع افغانستان که برای کار در ایران از طریق مرز "ذوالفقار" قصد داشتند، وارد ایران شوند را محاصره و بازداشت نمودند.

مرزبانان این کارگران افغانستانی را وحشیانه مورد آزار و شکنجه و ضرب و شتم قرار داده، سپس همه آنها را سوار خودرو کرده و به نزدیکی رودخانه "هلیل رود" آوردند و همه آنها را به داخل آب انداختند. این در حالی بود که شماری از آنها که در میان شان کودک نیز مشاهده میشد، شنا بلد نبودند. متأسفانه تنها نیمی از این کارگران افغان نجات پیدا کرده و بیش از بیست نفر کشته و یا ناپدید شده اند. تا کنون جسد چند نفر از آنها که یکی شان کودک بوده در ساحل این رودخانه پیدا شده است. این اولین بار نیست که پاسداران و مرزبانان جمهوری اسلامی ایران اقدام به شکنجه و ضرب و شتم کارگران و پناجویان افغانستانی میکنند. این رژیم ضد انسان، بطور مداوم در حال اذیت و آزار و اخراج مهاجرین و پناجویان افغانستانی است. رژیم فاشیستی اسلامی در ایران عامل بیکاری در ایران کشور را کارگران مهاجر معرفی میکند که در راهپیمائی عوامل خانه کارگر در روز کارگر شعار اخراج کارگران افغانستانی داده میشد. این رژیم فاشیست بیشترین سواستفاده را از جوانان افغانستانی در جنگ در سوریه در قبال وعده اقامت آنها در ایران نمود و هزاران جوان افغانستانی جان خود را از دست دادند.

کارگران افغانستانی مقیم در ایران به عنوان یک بخش از طبقه کارگر ایران جزء بی حقوق ترین افراد جامعه اند و به علت دستمزدهای بسیار نازل بالاترین سوددهی را برای سرمایه داران ایرانی و حکومت منفور جمهوری اسلامی داشته اند. اما آنچه نصیب کارگران مهاجر در ایران میشود، بی هویتی، بی خانمانی، تبعیض، تحقیر، فقر و فلاکت و ناامنی و عدم برخورداری از حقوق شهروندی می باشد. چماق فاشیستی حکومت سرمایه اسلامی تمام مدت بالای سر این کارگران و خانواده هایشان قرار دارد.

مهاجران افغانستانی نه تنها هنگام عبور از مرزها توسط جنایتکاران سرمایه کشته میشوند؛ بلکه در داخل ایران نیز در معرض تبعیض دائم از طرف ارگانهای دولت جمهوری اسلامی و کارفرماها قرار می گیرند و حقوق انسانی شان پایمال می شود.

برخورد جدی با پناهندگان افغانستانی تحت عنوان اتباع بیگانه در شهرهای متعدد و مانور دولتی و رسمی روی این مسأله که کارگران افغانستانی مانع فرصت های شغلی برای نیروی کار ایرانی هستند؛ اتهام اغلب جنایات به مهاجرین افغانستانیها، سبب شده هزاران افغانستانی را شتابزده از کشور اخراج کنند، بدون اینکه فرصت یابند از حق شهروندی خود دفاع و یا آن را ثابت کنند یا درخواست پناجویی دهند. برطبق گفته خود سران رژیم طی 10 سال گذشته حدود 5 میلیون نفر را به افغانستان اخراج کرده اند.

اعمال نژاد پرستانه و تبعیض آمیز در ایران نه تنها از طرف دولت به آن مشروعیت و حقانیت داده شده، حتی در جامعه طوری نهادینه شده که فرهنگ حاکم در جامعه بر علیه حضور کارگران افغانستانی در جامعه اعمال میشود و مردم آن را با اعمال خشونت آمیز و رفتار بشدت تحقیر آمیز نسبت به پناهندگان نشان می دهند، و هیچ قانون و یا حمایتی برای محافظت از افغانستانی ها در برابر

کارگران جهان متحد شویم!

خشونت‌های فیزیکی ناشی از حملات وحشیانه بر علیه آنها، و نیز مجازات عاملین اینگونه اعمال غیر انسانی موجود نیست.

این اولین بار نیست که، چهره فاشیستی رژیم اسلامی در رابطه با مردم زحمتکش افغانستان به مثابه حلقه ضعیف نیروی اجتماعی کار در ایران خود را به نمایش می‌گذارد. در حدود چهار دهه است که با حقوق ناچیز، استثمار وحشیانه و انجام شاق‌ترین کارها کارگران و زحمتکشان افغانستان تحت فشار هستند. آنان به آشکارترین شکل از ستم ملی و طبقاتی رنج می‌برند. کارگران افغانستانی از دهه پنجاه در ایران تحت شدیدترین شرایط کاری استثمار میشوند و از بی حقوقی کامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در عذابند و در معرض دستگیری و اخراج دائمی قرار دارند.

البته فاجعه به آب انداختن این تعداد از زحمتکشان افغانستانی توسط مرزبانان جنایتکار رژیم فقط مختص به افرادی از یک کشور بیگانه ختم نشده، بلکه مزدوران جمهوری اسلامی همین اعمال شنیع را با مخالفان خود که در اسارت هستند بارها انجام داده، و هنوز اجساد افراد معترض و زندانی در سدها و رودخانه‌ها پیدا میشود. برای نظام دیکتاتور جمهوری اسلامی شهروند خودی و غیر خودی فرق ندارد، هر مخالف و نیروی کاری را که نخواهند، سرکوب می‌کند.

این رفتار غیر انسانی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی یادآور رفتار اروپایی‌های قرون وسطی و آلمان نازی با یهودی‌ها، رفتار نژادپرستان سفید پوستان در آمریکا و آفریقای جنوبی دوران آپارتاید با سیاه پوستان است. در برابر برخوردهای تبعیض آمیز مهاجر ستیزی که از عمق شکاف طبقاتی و شدت یابی بحران‌های فراگیر اقتصادی و سیاسی هر دم بیرون می‌زند، کارگران آگاه و کمونیست به خوبی می‌دانند که تنها گزینه استراتژیکی برای افساء نمودن ایده‌های ضد انسانی تبعیض نژادی و اقدامات تبهکارانه فاشیست‌ها و خالقان آن مبارزه بر علیه آنها و نظام سرمایه داری است.

سازماندهی سراسری بر علیه این سیاستهای فاشیستی و مهاجر ستیزی جمهوری اسلامی وظیفه خطیری را به عهده کارگران سوسیالیست ایرانی و افغانستانی می‌گذارد که ضمن افشای اهداف رژیم سرمایه داری در ایران، وحدت طبقاتی همه کارگران را در محل کار و زندگی اشان مستحکم کرده و نشان دهند که منافع کارگر ایرانی و افغانستانی بهم گره خورده است. کارگران به عنوان شهروند مستقل از زبان و رنگ و نژاد و اعتقادات و غیره هر جا که زندگی و کار می‌کنند، جزو شهروندان آن جامعه هستند و می‌بایست از امکانات شهروندی آن محل برخوردار شوند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ایران و افغانستان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

<http://nahadha.blogspot.com/>

<https://t.me/nahadhayehambastegi>

می ۲۰۲۰



گرامی باد روز اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران همه کشورها!

صد و سی سال پیش، انترناسیونال کارگری موسوم به انترناسیونال دوم؛ برای گرامیداشت یاد کارگران آمریکائی، که پس از برگزاری باشکوه تظاهراتی عظیم و سراسری و درخواست روزکار هشت ساعته، در درگیری با پلیس شیکاگو به خاک افتاده و تنی چند از آنان به چوبه های دار سپرده شده بودند، این روز را روز اعلام همبستگی مبارزاتی کارگران همه کشورها با یکدیگر نامیدند. این روز، روز قدرت نمائی جهانی کارگران و بزرگداشت زحمات تا کنونی طبقه جهانی کارگر و یادآوری خونهای است که پرچم مبارزه طبقاتی کارگران را به رنگ سرخ درآورده است.

امسال، بار دیگر به استقبال این روز میرویم، در جهانی که طبقه کارگر و زحمتکشان دیگر، علاوه بر تحمل فشار طاقت فرسای بیعدالتی های ناشی از تداوم حیات سرمایه داری و جهانی شدن نئولیبرالی آن، مورد تهاجم ویروس کرونا نیز قرار گرفته اند.

سال گذشته سال تشدید مبارزات کارگران بر علیه ادامه تهاجمات سرمایه داران بود، از هفت تپه، هپکو، فولادهاواز، معلمان و بازنشستگان ایرانی تا کارگران و زحمتکشان شیلیائی، آرژانتینی، اکوادوری، لبنانی، عراقی، هندی، ایتالیائی، آلمانی، فرانسوی... در همه جا ما با مقاومت توده ای در برابر حملات سرمایه داران و دولتهای حافظ سرمایه به سطح زندگی، شرایط کار و دستاوردهای کارگران روبرو بودیم. به اشکال و دامنه متفاوت اما با هدف و مضمونی مشابه. سالها بود که چنین فوران همزمان و دامنه داری از مبارزات کارگران و زحمتکشان کشورهایی با شرایط رشد، ساختار و جغرافیائی بکلی متفاوت، در تقابل با طبقه سرمایه دار و دول سرمایه داری گوناگون با سیاستهای با مضمون یکسان در کشور خودی! اعلام همبستگی متقابل میان مبارزان درگیر در آن! از جلیقه زردها و اتحادیه های مبارز فرانسوی تا دانشجویان سوسیالیست ایرانی! دیده نشده بود. آری در سالی که گذشت، همبستگی مبارزاتی کارگران و مبارزین ضدسرمایه داری چندین روز از تبار اول ماه مه را در بستر مبارزات کشورهای مختلف به نمایش گذاشت. پرتوان باد این همبستگی و همیاری در عمل مبارزاتی کارگران و زحمتکشان جهان!

در سالی که گذشت، نظام سرمایه داری در کشورهای اصلی آن نشانه های جدی از ورود به سیکل جدیدی از بحران را بروز داده بود. در سه ماه آخر سال میلادی گذشته، تولید صنعتی در آلمان، ژاپن و فرانسه دچار افت شده و در چین و آمریکا با کاهش و کند شدن رشد روبرو بودند. بویژه صنعت خودروسازی، موتور صادرات کشورهایمان و فرانسه، با پس رفت آشکاری روبرو شده بود. در سپتامبر گذشته بانک فدرال آمریکا در یک هفته و در سه نوبت مجبور به دخالت و تزریق نقدینگی در " بازار مالی بین بانکهها" شد. چیزی که از بحران 2007 بدینسوی دیده نشده بود. اقتصاد کشورهای بزرگ سرمایه داری به نقد بسوی بحران میرفت. اما بروز اپیدمی ویروس کرونا نه تنها به یک ضربت تولید و اقتصاد کشورهای جهان را با رکود شدید و ناگهانی روبرو کرد بلکه فجایع ناشی از ادامه حیات ننگین سرمایه داری را با شدت بیشتری آشکار کرد. تلفات ناشی از این بیماری در تمام کشورهایمان که سیاستهای دول سرمایه داری به بازپس گرفتن بخش مهمی از دستاوردهای پس از

جنگ جهانی دوم منجر شده بود، ضعف شدید این دولت‌ها در دفاع از شهروندان کشورهای خود را به نمایش گذاشت. نابودی بخش مهمی از بیمه‌های اجتماعی، بهداشت عمومی و حمایت از بیکاران یعنی آنچه که به نام "دولت-رفاه"، در اثر جنبشهای قدرتمند کارگری و رهایی بخش پس از جنگ جهانی دوم و عقب نشینی ناگزیر سرمایه در مقابل اردوگاه کار، بوجود آمده بود، زیر ضربات این سیاستها، به شدت خود را نشان داد. عدم دسترسی برابر به امکانات بهداشتی، پزشکی و دارویی، نه تنها مابین کشورهای مختلف، بلکه در سطح هر کشور نیز، اختلافات سطح زندگی و طبقاتی ناشی از مناسبات سرمایه داری را بیش از پیش برملا کرد. خصلت انگلی و غارتگر این سیاستها در برابر همه کارگران و حقوق بگیران کشورهای مختلف باز هم بیش از پیش عیان شد. مدافعان قلم به مزد این سیاستهای سرمایه داری، امروز در موقعیت دفاعی قرار گرفته اند و کارگران جهان و طرفداران حرکت به طرف سوسیالیسم فرصت کم نظیری برای تهاجم نظری و ایدئولوژیک بدست آورده اند تا بطور نظام مند به افشای این مدافعان نظام سرمایه داری بپردازند. بویژه آنکه بروز این اپیدمی که در واقع سومین نسل از ویروس های صنعتی ناشی از شرایط ناگوار محیط زیست در اثر گسترش مناسبات سرمایه داری به تمام گوشه کنار جهان از جنگلهای آمازون و کنیا تا منطقه ووهان چین و نابودی محیط زیست همراه و همپای آن، بوضوح نشان میدهد که اشتهای سیری ناپذیر سرمایه به سود و انباشت باز هم بیشتر سرمایه در هر دور تولید و توزیع، دیگر نه در سطح یک یا چند کشور بلکه در پهنه گیتی، ضربات جبران ناپذیری را به طبیعت وارد کرده است. گرمایش زمین، ویروسهای صنعتی، بیماری ابولا، آلودگی بی حد و حصر هوا و مرگ و میر همراه آنان، همه و همه نشان میدهند که ادامه حیات سرمایه داری نه تنها با خود نابرابری و بربریت را به ارمغان آورده بلکه اساسا ادامه حیات نژاد بشر در کره زمین را به خطر انداخته است. امسال در سراسر جهان کارگران و حقوق بگیران دیگر اول ماه را به روز به چالش کشیدن نظام جهانی سرمایه داری تبدیل خواهند کرد، حتی اگر ویروس کرونا امکان تجمعات فیزیکی را از آنان سلب کند! شعار ما اینست وقت آن رسیده است که می بایستی جهانی دیگر را بر پا کرد! جهانی عاری از اختلافات طبقاتی و در هماهنگی با طبیعت! جهانی بر اساس برنامه ریزی هوشمندانه تولید و بازسازی طبیعت نیمه ویران و نه بر اساس تولید لگام گسیخته در جستجوی سود نابود کننده طبیعت و ایجاد شدیدترین نابرابری های طبقاتی و اجتماعی!

در ایران رکود و تورم توامان که نتیجه مستقیم سیاستهای نئولیبرالی دولتهای گوناگون از رفسنجانی تا روحانی، ماجراجوییهای نظامی و هسته ای، هزینه سرسام آور دستگاه سرکوب و نهادهای انگلی رژیم اسلامی و در اثر تحریمهای یکجانبه و مغایر با معاهده های بین المللی دولت ایالات متحده آمریکا تشدید شده است، شرایط زندگی روز به روز دشوارتری را بر مردم ایران و بویژه کارگران و حقوق بگیران و لشکر عظیم بیکاران تحمیل کرده است. گرانی و بیکاری تواما ارمغان این سیاست بوده است. "دولت امام زمان" وعده بهشت را در آسمان داده ولی جهنمی واقعی بر روی زمین به پا کرده است. سرکوب خونین جنبش درخشان کارگران و تهیدستان شهر و روستا در آبانماه گذشته بعنوان تنها "سیاست ممکن" با حمایت تمام جناحهای حاکمیت، در متن ادامه و گسترش جنبش اعتصابی - اعتراضی کارگران در دفاع از سطح زندگی خود، ممانعت از بسته شدن واحدهای تولیدی و خدماتی، مبارزه با خصوصی سازیها و... فاصله عظیمی را که بین مردم ایران و رژیم حاکم وجود دارد باز هم بیشتر و آشکارتر به نمایش گذاشت. پایه اجتماعی رژیم حاکم هرگز به این

کارگران جهان متحد شویم!

کوچکی نبوده و عملاً محدود به مزدوران و حقوق بگیران دستگاه دولتی سرکوب و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت ولایت شده و رفتار رژیم را به سوی سیاست خشونت حداکثری سوق داده است. علیرغم تمام سرکوبها و بگیر و ببندها، جنبش اعتراضی - اعتصابی کارگران و زحمتکشان ایران در سال گذشته، در کشوری که حق اعتصاب و تشکیل سازمانهای مستقل کارگری و کارمندی ممنوع است، با قدرت بیشتری ادامه یافت. طرح شعارهای کار، نان، آزادی، مسکن، زندگی بهتر و در مواردی طرح صریح خواسته های کنترل کارگری و اداره شورائی پله جدیدی در رشد آگاهی و سطح تقاضاهای به حق کارگران را نشان می‌زند. فعالان کارگری نشان دادند که در مقابل حاکمیتی ناتوان، از طرح مدیریت کارگری و به دست گرفتن امور به دست خود ابائی ندارند. آنها نشان دادند که جنبش کارگری ایران گام به گام به قدرت واقعی و تعیین کننده خویش آگاهتر از پیش شده و به جلو میرود. لزوم ایجاد نهادهای کارگری و مردمی مستقل بار دیگر خود را نشان میدهد. ایجاد کمیته های محلات و امداد توسط جوانان و کارگران برای مقابله با تهاجم ویروس کرونا و آشکار شدن چندباره ناتوانی همه جناحهای حاکم که جز غارتگری، اختلاس و سرکوب شیوه دیگری ندارند، یادآور ابتکارات دوران مبارزات ضدسلطنتی بود و نشان میدهد که دست زدن به این اشکال تعاونی و شورائی در حافظه طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران ریشه عمیقی دارد. این همه نوید امکان واقعی برپائی جامعه ای نوین، عاری از سرمایه داری و طبقات استثمارگر، عاری از ستمگری بر زنان و ملل ساکن ایران بر فراز خرابه های جمهوری اسلامی را میدهد.

رشد موازی اعتراضات مطالباتی کارگران و خیزش اعتراضی خیابانی در سال گذشته، وظیفه پیوند زدن این دو به یکدیگر را با شدت بیشتری مطرح کرد. لزوم ایجاد هر چه گسترده تر و متنوع تر تشکیلات مستقل کارگری، کارمندی، محلات و نمایندگی کردن از خواست های عمومی جامعه که بازتابی پرنگ در خیزش آبانماه 98 داشت بعنوان بدیل کارگری باز هم خود را نشان میدهد. تلاشهای دلاورانه زنان و مردان فعال جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی درین راه به چشم میخورد. و این در هنگامه سرکوب نظام مند این فعالان، ادامه صدور احکام زندان و به بند کشیدن آنان!

"نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور" در این روز همبستگی جهانی کارگران، بار دیگر به این زنان و مردان شیردلی که در سخت ترین شرایط به کار مبارزه و سازماندهی کمر همت بسته اند، درود فراوان رسانده و بار دیگر همبستگی عملی خود با این مبارزه را اعلام میکنند.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران همه کشورها!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد سوسیالیسم!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

اردیبهشت 1399 - مه 2020

ابهامات در سخنان سخنگوی دستگاه قضایی در مورد ملایمت در مواجهه با اعتراضات کارگری

اخیرا سخنگوی دستگاه قضایی کلی منت بر سر کارگران گذاشته که رئیس دستگاه قضا با کارگران دیدار داشته و مشکلاتشان را بررسی کرده است یا اینکه ۱۴ تن از ۱۵ تن کارگر بازداشتی در جریان اعتصابات هپکو تبرئه شده‌اند. اما این‌ها تبلیغاتی دروغین هستند و قوه قضاییه با شدت بیشتر نسبت به گذشته در حال صدور احکام بازداشت و زندان برای کارگران و معلمان است. آنچه مشاهده می‌شود احکام قضایی نسبت به گذشته شدت داشته است. ابتدا تعداد بسیار بیشتری از کارگران، معلمان و دانشجویان نسبت به اعتراضات مشابه‌شان در سال‌های گذشته بازداشت و پرونده‌سازی و احکام زندان صادر می‌گردد و بعد از مدتی طولانی و گرفتاری فرد بازداشت شده و خانواده‌اش بدلیل بازداشت موقت، تامین وثیقه و برگزاری جلسات دادگاه، بخشی از افرادی که برایشان پرونده سازی شده تبرئه یا بعضا باصطلاح عفو می‌شوند. ولی کماکان طبق سیاق گذشته چند تن از کارگران پیشرو در هر اعتراض کارگری به بهانه‌های خود ساخته اقدام علیه امنیت ملی، تاثیر از بیگانگان ... مشمول باصطلاح عفو و بخشودگی قرار نمی‌گیرند و باید سال‌های طولانی در زندان باشند. در حالیکه دقیقا این افراد نیز همانند دیگر همکاران‌شان کاری جز دفاع از حق و حقوق عامه کارگران نکرده‌اند اما برای اینکه شمشیر تیز قضایی به معترضان نشان داده شود، قربانی می‌شوند.

در جریان اعتصابات هپکو تعدادی زیادی از کارگران بازداشت می‌شوند و برای ۱۵ تن پرونده سازی می‌شود و بعد از کلی تبلیغات تلویزیونی و ... ۱۴ تن از کارگران تبرئه می‌گردند ولی یک تن از کارگران پیشرو با بهانه اقدام علیه امنیت و ... باید زندانی شود. در روز جهانی کارگر سال ۹۸ تعداد بسیار بیشتری از کارگران و حامیان کارگری شرکت کننده در تجمع مقابل مجلس به نسبت تجمعات روز جهانی کارگر در سال‌های گذشته بازداشت و برای تعداد زیادی نسبت به گذشته حبس‌های طولانی مدت صادر شده است و در مورد اعتصابات هفت تپه نیز احکام زندان بلند مدت برای کارگران پیشرو و حامیان طبقه کارگر صادر شده است، اما با وجود تبلیغات گسترده که گفته شد؛ رئیس دستگاه قضا دستور داده تا احکام صادره مشمول باصطلاح بخشودگی قرار گیرد، چنین نشده است. در شرایط کرونا با وجود صدور بخشنامه و دستور برای آزادی زندانیان، این آزادی مشمول بسیاری از کارگران و معلمان نشده و با وجود خطرات جانی برایشان همچنان در زندان هستند. همین وضعیت در مورد اعتراضات دانشجویان نیز صدق می‌کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از دستگاه قضایی سؤال می‌کند؛ چرا بر پایه ظلم علیه کارگران، معلمان، حامیان طبقه کارگر، دانشجویان و فرودستان احکام زندان، تبعید و شلاق صادر می‌کند؟ چرا کارگری که سال‌ها در کارگاهی اشتغال داشته یا معلمی که سال‌ها در کلاس درس تدریس کرده و ... پس از اینکه به عدم دریافت حقوقش اعتراض می‌کند یکبارہ متهم به اقدام علیه امنیت و ... می‌گردد؟ برای همگان مشخص است که این اتهامات، واهی و برای سرکوب اعتراضات کارگران، معلمان، دانشجویان و فرودستان است. رفتار امروز دستگاه قضایی هم چیزی جز مدل و

کارگران جهان متحد شویم!



روشی دیگر از سرکوب فرودستان نیست. احکام زندان، تبعید، شلاق برای کارگران، معلمان، دانشجویان، حامیان طبقه کارگر و فرودستان دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ را محکوم می‌کنیم و خواهان لغو همه این احکام ناعادلانه هستیم. سرکوب فعالین کارگری و صنفی و دانشجویی در واقع گسترش فساد و فقر و ناکارآمدی مدیران نالایق را به جامعه تحمیل خواهد کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸

متن اصلی مصاحبه با یوسف بهمنی

قول رئیس دستگاه قضا برای بازدید از هفت‌تپه بعد از کرونا

تهران- ایرناپلاس- یکی از فعالان کارگری هفت‌تپه درباره دیدار رئیس دستگاه قضا با فعالان کارگری می‌گوید: در دیدار با آقای رئیسی درباره بازگشت به کار تعدادی از کارگران هفت‌تپه مانند اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان اختری و ... صحبت کردیم و از آقای رئیسی قول گرفتیم بعد از کرونا به هفت‌تپه بیایند و وضعیت هفت‌تپه را از نزدیک ببینند.

ما به‌عنوان فعال کارگری دعوت شدیم و فعال کارگری هستیم، اما جزو شورای اسلامی کارگری نیستیم. چرا که پیش از تشکیل این شورا، ما مجمع نمایندگان کارگران هفت‌تپه را داشتیم و از هر بخش که بخش‌های وسیع و بزرگی هم بود، نماینده‌ای در این مجمع به رأی کارگران حضور داشت.

«اما پس از اعتصابات سال ۹۷ که بازداشت‌ها و سروصدای زیادی نیز اتفاق افتاد، مسئولان شهری فشار آوردند که شورای اسلامی کارگری را تشکیل بدهیم و ما نیز به‌رغم مخالفت همکاری کردیم. چون آنها می‌گفتند این شورا به مصونیت داشتن فعالان و رسمی شدن فعالیت‌ها کمک می‌کند. اما متأسفانه بعد از مدتی دیدیم که حالا خود شورای اسلامی به مشکل تبدیل شده است تا جایی که صدای کارگران در آمد و چند نفر از نمایندگان کارگری از این شورا اخراج شدند. حتی یکی از نمایندگان این شورا در جلسه‌ای که آقای یآوری، معاون وزیر تعاون داشتند، گفت که اجازه صحبت کردن به ما نمی‌دهند. در نهایت کسانی در شورا قرار گرفتند که از سوی کارگران مقبولیت لازم را نداشتند و کارگران هفت‌تپه هم اعلام کردند با شورای اسلامی کارگری هفت‌تپه کاری ندارند.

بهمنی بازگانی در ادامه می‌گوید: در دیدار با آقای رئیسی درباره بازگشت به کار تعدادی از کارگران هفت‌تپه مانند اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان اختری. کردیم، زیرا به ناحق اخراج شدند و آنها تنها سعی می‌کردند صدای رسای کارگران هفت‌تپه باشند و مشکلات را به گوش مسئولان برسانند. اما حالا با وجود اینکه حکم کیفری آنها نیز مشمول عفو رهبری شده است، مسئولان شهری سعی ندارند نسبت به بازگشت به کار آنان کاری انجام دهند.

این فعال کارگری همچنین می‌گوید: یکی دیگر از مواردی که در دیدار با آقای رئیسی مطرح کردیم درباره اقدامات بخش خصوصی بود. همچنین جزوه ۴۰ صفحه‌ای به ایشان تقدیم کردیم که همه آمار و اسناد درباره وضعیت هفت‌تپه را قبل و بعد از واگذاری آن به بخش خصوصی، در آن آورده‌ایم. ما از ایشان درخواست داریم که این جزوه را مطالعه کنند. برخی مسئولان شهری نمی‌خواهند کاری برای وضعیت هفت‌تپه انجام دهند.... هفت‌تپه را کوچک جلوه

کارگران جهان متحد شویم!

دادند و آن را به دست کسانی که نه فن مربوطه را دارند، نه اهلیت و نه مقبولیت دارند، واگذار کرده‌اند. آقای رئیسی نیز قول دادند که موضوع واگذاری هفت‌تپه به بخش دولتی را پیگیری کنند. اما ما قبلاً هم اعلام کردیم و دوباره هم این کار را می‌کنیم که اگر بنا باشد دوباره برای استعمال از وضعیت، پرونده هفت‌تپه به استان برگردد و بخواهند که اطلاعات از استان جمع‌آوری شود و بعد به تهران برود، هیچ فایده‌ای ندارد، چون دوباره به نقطه اول باز خواهیم گشت. ما از آقای رئیسی درخواست داریم کارگروه ویژه‌ای را در این خصوص ترتیب بدهند که به‌طور ویژه این موضوع را پیگیری کنند. هفت‌تپه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای حدود ۴۰۰-۳۰۰ هزار نفر است. اگر چهار روز حقوق هفت‌تپه دیر شود، دیگر بازار شوش نمی‌چرخد. اینها مسائلی است که باید وسعت فعالیت هفت‌تپه دیده شود.

او همچنین توضیح می‌دهد: آقای رئیسی نیز گفتند که واگذاری چند شرکت به بخش خصوصی غلط بوده است و حتی بعداً هم این شرکت‌ها از هزینه‌های دولتی استفاده و با ارز دولتی کار کردند که بعداً این دلارها در بازار آزاد فروخته شد. ما همچنین از آقای رئیسی قول گرفتیم که بعد از کرونا به هفت‌تپه بیایند و وضعیت هفت‌تپه را از نزدیک ببینند.

این فعال کارگری هفت‌تپه در ادامه بیان می‌کند: یکی دیگر از مشکلات ما این است که وقتی تجمع و اعتصابی صورت بگیرد، تازه مسئولان استانی از ما می‌پرسند که چه شده و می‌گویند که ما همیشه در کنار شما هستیم. اما هیچ‌وقت ندیدیم کسی در کنار ما باشد. همچنین ما هر جا که می‌رویم تا درباره مشکلاتمان صحبت کنیم نوعی شانناژ خبری انجام می‌شود مثلاً خبر می‌زنند دیدار صمیمانه کارگران هفت‌تپه با فلان شخصیت و ... این درحالی است که ما می‌خواهیم مشکلاتمان حل شود، اما هیچ عملی در این راستا انجام نمی‌شود.

ارسالی کارگران به کانال سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت

کارگران هفت تپه؛

گزارش کانال "قوانین شاهد" در مورد دزدی های امید اسدیگی، مدیر عامل و مالک نیشکر هفت تپه، نکات زیادی را بیشتر از گذشته روشن کرده است، هر چند غارت و چپاول و دزدی های اسدیگی و همدستان او برای کارگران هفت تپه مثل روز روشن می باشد.

نان_ کار_ آزادی_

شادی_ رفاه_ آبادی

نابود_ باد_ استثمار_ و_ کار_ مزدی_

☐ ✓ کارگران هفت تپه در اعتصاب های پی در پی خود اعلام داشتند که اسدیگی و عوامل آشکار و پنهان او ، همگی دستی در قدرت دارند.

اسدیگی یکی از کسانی است که با همکاری صاحبان قدرت و با استفاده از قوانین موجود، توانسته است اینچنین سرمایه کارگران و مردم زحمتکش را در اختیار خود قرار دهد.

☐ ✓ کارگران هفت تپه بر علیه خصوصی سازی ها به درستی، دست به اعتراض زدند.

کارگران آگاه بودند که این طرح جدید سرمایه داران(خصوصی سازی) بیشتر از گذشته باعث خرابی آنها می شود، کارگران می دانستند که خصوصی سازی باعث "کار آفرینی"، " اشتغال" " رفع بیکاری" " رفع فقر و نداری " و... نمی شود، بلکه فریب جدید سرمایه داری برای استثمار و بی حقوقی بیشتری است.

کارگران جهان متحد شویم!

کارگران می دانستند سرمایه داران برای داشتن سرمایه بیشتر و دستبرد به منابع مادی جامعه با طرح خصوصی سازی، می توانند بیشتر از گذشته کارگران را استثمار کنند تا از این طریق به سود های نجومی دست یابند.

کارگران آگاه و مبارز هفت تپه؛

امید اسد بیگی، یک فرد عادی نیست، او طی این مدت توانسته با همکاری صاحبان قدرت تحت عنوان " کار آفرین" سرمایه های هنگفتی که متعلق به کارگران و زحمتکشان ایران است را به جیب بزند، او در این مدت در هفت تپه، بیشترین صدمات روحی و روانی را به کارگران هفت تپه تحمیل کرده است،

او باعث شد که چند تن از کارگران به دلیل فقر و نداری (عدم پرداخت دستمزد ها و مطالبات کارگران) دست به خودکشی بزنند.

اسد بیگی و همکاران او تنها یک مجرم اقتصادی نیستند، بلکه او و همدستان دزد او مجرم جنایی هم هستند و باید مورد محاکمه قرار بگیرد.

اسد بیگی و همدستان دزد او کارگران مبارز هفت تپه را که برای دفاع از حقوق ابتدایی خود دست به مقاومت زده بودند را اخراج کردند، به زندان انداختند و مورد شکنجه قرار دهند.

بی شک اسد بیگی با صاحبان قدرت و مسئولین رژیم ایران دستی در کاسه داشته است که توانسته است به راحتی اینچنین دست به چپاول، غارت و دزدی بزند.

اسد بیگی فعلا یک نمونه آشکار از صاحبان سرمایه است که با غارت دسترنج ما کارگران امکانات وسیعی را برای خود و اطرافیانش ایجاد کرده است و باعث فقر و فلاکت و نداری ما کارگران شده است.

کارگران عزیز هفت تپه؛

ما می توانیم بیشتر از گذشته امید اسد بیگی و نماینده گانش را رسوا کنیم و در صورت امکان بر علیه جنایت های او شکایت و دادخواست تهیه کرده و چهره دیگر دزدان و استثمارگران دسترنج کارگران را رسوا کنیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

سرمایه داری زندگی روی زمین را از بین خواهد برد!

از آغاز انقلاب_صنعتی آب و هوای کره زمین شروع به تغییرات سریع کرد. زمین در حال حاضر در حدود ۱ درجه سانتیگراد گرمتر از دوران قبل از انقلاب صنعتی شده است.

کارگران جهان متحد شویم!

سرمایه داری متخصص ایجاد سود و تولید کالا است و به محیط زیست اهمیتی نمی‌دهد.

برای سرمایه‌داری مهم نیست که رودخانه‌ها از مواد آلوده کننده پر می‌شوند. سرمایه‌داری حتی از تکنولوژی‌های تمیزتر هم استفاده نمی‌کند، مگر اینکه گزینه کثیف، دیگر سود ده نباشد. برای سرمایه‌داری فقط یک چیز مهم است و آن انباشت ثروت است.



تشویق مردم به نریختن زباله در طبیعت و احترام به محیط زیست خوب است اما راه حل خوبی برای منحرف کردن اذهان از عاملین اصلی نابودی محیط زیست است.

تنها راه نجات بشریت از این معطل

اتحاد توده زحمت کش کارگران است

سندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه

۲۱ اردیبهشت ۹۹

متنی از یک بازنشسته

"امیدوارم که همیشه در سلامتی و تندرستی و شادی باشید .

مشکل بازنشستگان در مدیریت این فرد و یا ان فرد در کانونهای بازنشستگی نیست که مهره ای بیش نیستند ، مشکل در سیستم این کانونهاست ، مشکل در اساسنامه بی خاصیت کانونهاست ، مشکل در اینست که اگر علامه دهر هم به کانونها ورود کند توانایی او گرفته خواهد شد و خود نیز به زائده ای بله قربان گو تبدیل خواهد شد ، بالاخره اگر همین شرایط را داشته باشیم و تا وقتی همین وضعیت پا بر جا باشد تصور می کنید با رفتن ایکس و ایگرید و در نبود آگاهی و تشکل در بین اکثریت بازنشستگان آیا بهتر از این خواهد شد .

رجوعتان می دهم به دو سال پیش که فعالین صنفی در خوزستان فکر می کردند که با اتمام دوره کانون قبلی خودشان جایشان را بگیرند و تحولی بوجود بیاورند اما همگان دیدند که کانون جدید خوزستان نه تنها از کانون قبلی بدتر از آب در آمد بلکه به محلی از اختلاف مابین نمایندگان که دوستان قدیم بودند و حالا چشم دیدن همدیگر را نداشتند تبدیل شد ."

یکی از مطالبات پایه ای بازنشستگان :

– انحلال کانون های بازنشستگی فعلی و ایجاد تشکیلات نوین و مستقل بازنشستگان

پیام برای خبرنگاران روزنامه شرق! راه سوم را انتخاب کنید، اعتصاب کنید!

اخراج یا عدم افزایش دستمزد، گزینه‌های روزنامه "شرق" برای خبرنگارانش

این روزها اخبار متعددی درباره اخراج یا عدم افزایش دستمزدها در سال جدید در بخش‌های تولیدی و خدماتی منتشر می‌شود. قطار تعدیل و اخراج‌ها به ایستگاه رسانه رسیده است. اغلب رسانه‌ها به بهانه اوضاع نامساعد اقتصادی کشور و رکود ناشی از کرونا زمزمه جدایی یا عدم افزایش دستمزدها را آغاز کرده‌اند. بنا بر پیگیری‌های روزنامه‌نگاران مستقل ایران، برخی از مدیران رسانه‌ای به نیروهای خود اعلام کردند یا قراردادهای در سال جدید تغییر شکل پیدا می‌کند و دستمزدها به روال قبل پرداخت می‌شود یا برخی از نیروها باید از مجموعه خداحافظی کنند.

مهدی رحمانیان، مدیرمسئول "روزنامه شرق" یکی از مدیران رسانه‌ای است که با دو پیشنهاد، نیروهای شاغل در این رسانه را تحت فشار قرار داده است. به این ترتیب، به آنها اعلام شده، تداوم همکاری با تمامی نیروها بدون افزایش دستمزد ممکن است؛ در غیر این صورت، عده‌ای از خبرنگاران مجموعه اخراج و قرارداد دیگر نیروها متناسب با مصوبه شورای عالی کار مشمول افزایش ۲۱ درصدی دستمزدها خواهد شد.

در حالیکه خط فقر ۹ میلیون تومان تعیین شده است، نماینده فرمایشی کارگران در شورای عالی کار و حتی مسئولان جمهوری اسلامی نیز به این شیوه از افزایش دستمزد معترض‌اند و مهم‌تر آنکه پیشنهاد مدیر مسئول شرق با موادی از قانون کار در تعارض است. بر اساس ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد کارگران نمی‌تواند کمتر از حقوق پایه به اضافه مزایای مزدی مستمر باشد.

پیش از این نیز، روزنامه "همدلی" بدون اعمال افزایش ۲۱ درصدی دستمزدها که هیچ‌وجه مورد پذیرش نیست، حقوق ماه گذشته نیروهای خود را پرداخت کرده بود

روزنامه‌نگاران مستقل ایران

توضیح: متن بالا نوشته‌ای از روزنامه‌نگاران مستقل ایران است. در بحرانی کنونی ناشی از بیماری کرونا و همچنین تورم سرسام آور موجود در جامعه، خبرنگارانی که برای روزنامه شرق کار می‌کردند با مشکلات جدی روبه‌رو شده‌اند. آنها یا باید بدون افزایش دستمزد به کار خود ادامه دهند یا کار خود را از دست بدهند. این تصمیم مدیریت روزنامه شرق نشان داد که برخلاف آوازه‌ی چندین ساله روزنامه شرق، این روزنامه نه تنها در خدمت روشنگری برای آحاد مردم نیست بلکه بنگاهی است که در این شرایط نیروی کار خود را که همان خبرنگاران هستند تحت فشار برای استثمار بیشتر قرار می‌دهد.

به خبرنگاران شاغل در روزنامه شرق می‌گویم که تنها با اعتراض دسته جمعی و اعتصاب می‌توانید حق و مطالبات خود را از کارفرمای سودجوی خود بگیرید! چه روزنامه شرق باشد چه شرکت هفت تپه! همه کارفرماها فاسد و دزد هستند و تنها با اعتصاب می‌توان آنها را شکست داد. به امید پیروزی شما خبرنگاران شرق!!

پیام همکار- انتشار: کانال مستقل کارگران هفت تپه @kargare7tape

کرونا، مهلک ترین تیر ترکش نظام سرمایه داری علیه بشریت، بویژه طبقه کارگر است!

ویروس کرونا عمیقترین بحران در تاریخ سرمایه داری را به نمایش میگذارد، بورس، شرکتها و غولان سرمایه در حال زمین خوردن هستند و صدها هزار کارگر و زحمتکش به ارتش بیکاری اضافه شده و فقر وسیع تری گریبانگیر جامعه انسانی شده است.

بار دیگر دولتها به میدان کشیده شده اند تا به بانکها و شرکتها و صاحبان سرمایه یاری رسانند، در حالی که تامین حداقل زندگی برای میلیونها انسان نا مشخص است، بخش درمانی از بودجه کمتری برخوردار است و با کمبود ابتدائی ترین ابزار مورد نیاز، محل درمان، دارو، پرستار و پزشک برای یاری به مردم روبروست. ولی کادر درمانی شبانه روز دست خالی به مبارزه والای انسانی برای نجات جان انسانها مشغولند و متاسفانه بیشماری از آنها یا خود به این ویروس مبتلا شده اند و یا جان خود را از دست داده اند. به وضوح امروز نتایج مخرب فروش بهداری ها و خصوصی سازی بیمارستانها و عدم تولید داروهای مورد نیاز مداوای بیماریها و ... که از شاهکارهای سیاستهای نئولیبرالیستی، بازار آزاد است را مشاهده میکنیم.

این ویروس مرگبار بطور جدی اکثریت بشریت را مورد تهدید قرار داده و در صف مقدم آن کارگران و زحمتکشان و مزد بگیران، بیشترین قربانیانش هستند. در بخش وسیعی از دنیا برای حفظ نرخ تولید از بستن کارخانه ها و محلهای کار که نیاز مستقیم اجتماعی ندارند، به قیمت سلامت و جان کارگران جلوگیری میکنند. آنجا هم که بالاجبار برخی مؤسسات را تعطیل کرده و فرمان "در خانه بمانید" داده اند، خبری از تأمین معیشتشان نیست!

روزانه اخبار بیشماری از فشار کارفرماها و دولت برای اجبار به کار و متقابلاً اعتراضات و امتناع کارگران از قبول چنین احکامی و همچنین آمار رو به افزایشی از درگذشتگان و یا مبتلایان بیماری در سر کار منتشر می شود. شورای عالی کار، تشکل ضد کارگری مدافع سرمایه داران نیز فرصت را غنیمت شمرده و به بهانه کرونا افزایش مزد کارگران را به بعد از ماجرای کرونا حواله داده است.

زندانیان بیشماری کماکان در محیطی نامساعد قرار دارند و نوع دیگری از کشتار دسته جمعی در شرف وقوع است. پدیده شورش و فرار زندانیان در چندین شهر خود نشانه خطر عظیمی است که جان این عزیزان را تهدید می کند و در نتیجه خطر مرگ در اثر تیراندازی را به مرگ تدریجی و جمعی ترجیح می دهند.

زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش بار دیگر به وحشیانه ترین شکل در خطر جدی قرار دارد. به جرأت می توان گفت نظام سرمایه داری که در مبارزه طبقاتی احساس می کند که توازن قوا به زیانش در حال تغییر است، دیوانه وار با این سلاح به مصاف کارگران برای نابودی شان آماده است.

ستم، استثمار و تبعیض اکثریت مردم، توحش عریانی بوده و برای نیروهای بیشماری شناخته شده است. اما خشونت ساختاری نوع دیگر نیز، به سراغ آن کسانی میرود که به واسطه موقعیت اجتماعی خود دسترسی به پیشرفتهای علمی و اجتماعی ندارند و میلیونها نفر را سالیانه نابود کرده و میکند. مرگ ناشی از بیماریهای مختلف، ناشی از عدم دسترسی دانش پزشکی است که از ساختارهای اجتماعی نشات گرفته است. خشونت ساختاری خود را در اشکال متفاوتی نشان میدهد، اما مضمون مشترک آنها محرومیت مردم از نیازهای اساسی شان در نتیجه ساختارهای اجتماعی موجود است. نیازهای اساسی شامل مواد غذایی، مراقبتهای بهداشتی که برای امکان دستیابی به یک زندگی سالم و توسعه کامل انسانی لازم است، برای میلیاردها نفر موجود نیست.

در این بیست سی سال گذشته، شرکتهای دارویی به جای تأمین داروهای مورد نیاز مراقبتهای بهداشتی برای همگان، تمرکز خود را متوجه تحقیقات و توسعه آن دسته داروهایی میکنند که بیشترین سود را دربردارد. این منطق سرمایه است که تولید برای سود را به تولید برای رفع نیازهای انسانی ترجیح میدهد. تمامی دست آوردهای انسانی، در زمینه علمی، پزشکی و ... برای تأمین منافع صاحبان سرمایه استفاده شده و یا به کار گرفته شده اند. امکانات اجتماعی، علم و دانش، دارو و درمان و ... به تاراج گذاشته شده و به منبع سود و ثروت تبدیل شده اند. اموال عمومی به فروش رفته و اقلیتی از افراد به ثروت افروزی خصوصی خود مشغولند. سالها مبارزه برای تأمین زندگی، رفاه و امنیت انسانها به تاراج گذاشته شده و کسی جوابگوی این همه بی عدالتی، فقر و گرسنگی و بیخانمانی انسانها نیست.

طبیعت نیز از منطق سرمایه درامان نبوده و نیست، رشد سرمایه با بهره برداری از منابع طبیعی، جنگل زدایی، استخراج آبهای زیرزمینی و ... صورت گرفته و میگیرد. تخریب محیط زیست، که یکی از عوامل پیدایش ویروس ها و انواع بیماری هاست، حیات بشری را بطور جدی به خطر انداخته و در این میان حامیان محیط زیست با اعتراضات گسترده خود و هزینه های گزافی که با جان و زندگی خود برای آن پرداخته اند، نقش ارزنده ای در بازسازی از گسترش چنین فاجعه ای ایفا کرده اند. فاجعه ای که بسیاری از روستاها و دهقانان را به فلاکت کشانده و محیط زیست و سلامت و معیشتشان را به شدت به خطر انداخته و در نتیجه شاهد اعتراضات و اقدامات بازدارنده این زحمتکشان نیز هستیم.

نظام سرمایه داری، نظامی است که حول محور اقتصاد بازار آزاد و مالکیت خصوصی شکل گرفته است. به جای اینکه اقتصاد در درون روابط اجتماعی جای گیر شود، این روابط اجتماعی است که در درون اقتصاد جای گیر شده است.

از سوی دیگر امروز به وضوح شاهد فاصله عظیم بین حاکمان و مردم هستیم و بی اعتمادی بیشتری به احزاب و سیاستمداران و حاکمان در قدرت را مشاهده میکنیم، شکل گیری جنبشهای

اعتراضی اجتماعی، گروه‌های کمک‌رسانی، ایجاد کمیته‌های محلات و تشکیل جمع‌های مختلف بیان دیگری از دخالت مستقیم مردم در شرایط ناامن امروزی است. این نهادها نطفه شوراهای محلی فردا هستند که با دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خود به میدان آمده‌اند. توهّمات و خرافات مذهبی و دینی افشانه از همیشه شده، مورد تمسخر و سرخوردگی معتقدین بیشماری شده است و مراکز مذهبی رو به کساد بیشتری پیش می‌روند.

شرایط کنونی نیاز به یک تحول انقلابی برای تغییر پایه‌ای جوامع بشری دارد.

حضور تمامی انسان‌های زخم‌خورده از نظام سرمایه‌داری در تصمیم‌گیریها و هدایت جامعه انسانی، شرکت در نیازهای اجتماع و برخورداری از نعمات جامعه این شرایط غیر قابل تحمل نظام‌گنبدیده سرمایه‌داری را به نفع مردم تغییر خواهد داد.

مالکیت اجتماعی و مدیریت جمعی و شورایی تنها آلترناتیو عینی و واقعی در مقابل این نظام فاسد سرمایه‌داری، بازار آزاد، سیاست‌های نئولیبرالی و دولتی است، که باید جایگزین این نظام پوسیده شود و تامین یک زندگی امن با امکانات اجتماعی، آموزش و بهداشت رایگان برای همگان، تامین مسکن برای همگان، تامین بازنشستگی با کیفیت و تامین معیشتی همگانی را عملی نماید. برای مقابله با شرایط ناامن کنونی باید سرنوشتمان را در تمامی سطوح، خود در دست بگیریم.

زنده باد مالکیت اجتماعی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

آوریل 2020



جهان به دوش کادر پزشکی

افزایش واقعی دستمزدها

در گرو اعتراضات، اعتصابات

و هر چه متشکل تر شدن طبقه کارگر است!

دستمزد یکی از مطالبات اساسی طبقه کارگر ایران است، اعتراضات و اعتصابات برای دریافت دستمزدهای معوقه و افزایش آن یکی از عرصه های مهم مبارزات اقتصادی کارگران بر علیه دولت سرمایه داری اسلامی تا به امروز بوده است.

بحث تعیین دستمزد هر سال قبل از اسفند ماه مطرح میشود و جدال بر سر افزایش آن توجه بخش وسیعی از کارگران را بخود جلب میکند. " مبارزه ی آشتی ناپذیر میان سرمایه داری و کارگر مزد را تعیین می کند". در این مبارزه تا به امروز پیروزی ناگزیر از آن سرمایه بوده است. پائین ترین و ضروری ترین سطح دستمزد آن است که معاش کارگر را برای دوره یی که کار می کند تامین نماید. این سطح تا آن اندازه است که برای نگهداری یک خانواده و بقای نسل کارگران ضروری می نماید.

امسال در شرایطی بحث بر سر افزایش دستمزدهای سال ۱۳۹۹ مطرح میشود، میلیونها توده کارگر و زحمتکش با سه برابر شدن قیمت بنزین از طرف دولت و تحریمهای اقتصادی تحمیل شده از سوی دولتهای امپریالیستی با تورم و گرانی سرسام آور دست و پنجه نرم کرده، از حداقل مایحتاج زندگی محروم و با موقعیت فلاکتبار و گرسنگی روبرو اند.

تعیین دستمزد سالهاست توسط شورای عالی کار که در واقع شورای تصمیم گیری برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و حافظ سرمایه است صورت میگیرد. این شورا ترکیبی است از " سه جانبه گری" یعنی نمایندگان دولت که خود بزرگترین کارفرما و سرمایه دار محسوب میشوند و تا کنون خواستها و مطالبات کارگران را با تهدید و اخراج و دستگیری و زندان و شلاق و پاسخ داده اند، نمایندگان کارفرمایان، که تا سر حد توان میکوشند دستمزدهای کمتری به کارگران پرداخت شود تا خود به سودهای بیشتری دست یابند، به اصطلاح نمایندگان کارگران که از جانب خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار تعیین میشوند که تشکلهای ضد کارگری و وابسته به سرمایه هستند و در تحمیل حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر، به سرمایه داران اعم از بخشهای دولتی و خصوصی کمک میسازند. گرد آمدن سه گروه نامبرده در این شورا برای تعیین دستمزد کارگران هیچ سنجی با منفعت کارگران ندارند.

شورای عالی کار حافظ منافع سرمایه در آخرین روزهای هر سال پشت درهای بسته تشکیل جلسه می دهد و به استناد دو مولفه ی مطروحه در ماده ی ۴۱ قانون کار، یعنی نرخ تورم و نیاز زندگی خانواده ی کارگری، درصد ناچیزی را به عنوان افزایش دستمزد به عنوان حداقل مزد کارگران به تصویب می رساند. امسال هم صحبت از افزایش ۱۵ درصدی دستمزدها است. امسال در نشستهایی که مزدوران "سه جانبه گرایی" در رابطه با تعیین دستمزدها بدور از حضور کارگران تا کنون داشته اند، نتوانسته اند فلاکتی که جامعه را در بر گرفته از چشم دور بدارند، هر کدام از این نمایندگان می خواهند با ارائه یکسری پیشنهادات صدای این تورم و

کارگران جهان متحد شویم!

گرانی را منعکس نموده و سعی میکنند با توجه دادن دولت و سرمایه داران به این معضل، چند درصدی بیشتر از سالهای قبل دستمزد را افزایش داده و مسئله را به نفع سرمایه خاتمه دهند. هر چند ما هر سال شاهد هستیم میزان افزایش دستمزد از طرف شورای عالی ضد کارگری نه تنها جوابگوی حداقل نیازهای طبقه کارگر نبوده بلکه تحمیل چند برابر زیر خط فقر و گرسنگی بیشتر به کارگران و خانواده های کارگری را با خود به همراه داشته است.

در کنار دستمزدهای بخور و نمیر، کارگران شاغل بالای نود درصد دارای قراردادهای موقت و سفید امضا و یا حقوق های معوقه هستند. از سوی دیگر، از بیمه بیکاری برای جمعیت عظیم و میلیونی کارگران بیکار خبری نیست. کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و دیگر مزدبگیران حداقل جمعیتی بالغ بر بیش از سه چهارم جمعیت ایران را تشکیل می دهند. این جمعیت عظیم هم به درجات مختلف زیر خط فقر بسر می برند. کارگران در کنار دستمزدها با مشکلات و معضلات دیگری هم روبرو هستند که هر کدام ویژگیهای خود را دارد، نه تنها جدا از هم نیستند بلکه به هم ربط دارند.

از طرف دیگر، اقتصاد ورشکسته ایران و نقشی که ارگانهای نظامی و سرکوبگر در این رابطه ایفاء می کنند تنها زمانی می تواند به نجات سرمایه تحقق یابد که دستمزدهای کارگران و زحمتکشانشان را در پائین ترین سطح ممکن نگه دارند. و به عبارت دیگر سود بیشتر و استثمار وحشیانه تر نیروی کار خواهد توانست امنیت سرمایه های خصوصی تحت پوشش خصوصی سازیها را در ایران تضمین نماید. دولت اسلامی سرمایه متحقق نمودن وعده هایش را در قبال خصوصی سازیها به ناپودی و حمله شدید به سطح معیشت کارگران گره زده است. منافع بورژوازی ایران بدون دستمزد ارزان کارگران تامین نخواهد شد، با اضافه دستمزد ۱۵ درصدی نیازهای سرمایه داران برآورده خواهد شد. در ضمن دستمزدها را در پائین ترین سطح ممکن نگاه داشتن لازمه اش وجود یک دولت مستبد سرکوبگر می باشد. این که دستمزدها چندین برابر زیر خط فقر است نه شکی در آن است و نه نیازی به افزایش آن دارد. کارگران ایران چهار دهه است که فقر و محرومیت را با گوشت و پوست خود هر روز لمس می کنند و راز بقای نظام سرمایه جمهوری اسلامی هم در این استثمار وحشیانه طبقه کارگر است و بس!

تعیین دستمزد کارگران تنها در صلاحیت حضور نمایندگان واقعی تشکل های کارگری است که به نیروی خود کارگران ایجاد شده باشد نه در حیطه تصمیم گیری سرمایه داران و نمایندگانشان. حتما اگر نمایندگان واقعی طبقه شورای عالی کارمزدی" را بیابند تنها کمک میکند به دو فاکتور شدن مذاکرات و "کارگر امکان حضور در در بهترین حالت تغییراتی در ساختار این ارگان. هرگونه حضور نماینده ی مستقل کارگران در چنین شورایی که دو نماینده اش از طرف سرمایه دارانند؛ مطلقاً به زیان کارگران است و در هر صورت بی نتیجه است. تنها راهش این است که جنبش کارگری ایران برای همیشه از سه جانبه گرایی عبور کند. اخیراً بیانه هایی از طرف تشکلهای داخل در رابطه با افزایش دستمزدها منتشر شده، که با تعیین مبلغ و ذکر عددی سطح افزایش دستمزد امسال را مطرح نموده اند، باید به این نکته توجه داد، با مبلغ معین کردن، نه می توان کارگران را متشکل نمود و نه می توان جمهوری اسلامی را سر مسئله دستمزدها به عقب نشینی وادار نمود.

مبارزه برای دستمزدها و دیگر مطالبات کارگری مبارزه ایی جدی و ادامه دار است. در شرایطی که فضای مبارزاتی در طی دو خیزش دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ زمینه مبارزاتی را در جامعه قویتر نموده است بسیج و سازمان یافتن کارگران برای متحقق کردن مطالباتشان یک ضرورت انکار ناپذیر است و سازماندهی جنبش افزایش مزد که نه مربوط به پایان سال و بر عکس امر روزانه و دائمی مبارزات کارگری است می تواند

کارگران جهان متحد شویم!

حلقه اصلی این مبارزه باشد. حول برپایی این جنبش، کارگران می‌توانند متشکل شوند، حقوق معوقه را از حلقوم دولت و صاحبان سرمایه بیرون کشند، اخراج و قراردادهای موقت را لغو کنند، بیمه بیکاری را به دولت و کارفرماها تحمیل کنند، قراردادهای دسته جمعی را به نرم تبدیل کنند و دولت را به عقب نشینی وادارند. اتحاد عمل کارگران و زحمتکشان با توجه به میزان تورم و خط فقر، که آن را نه درآمار رسمی بلکه از تجربه زندگی هر روزه اشان که با فقر و نداری استنتاج میکنند، می‌تواند بر بستر مبارزات روزانه کارگران به یک جنبش فراگیر اجتماعی برای افزایش مزد تبدیل شود. در چنین توازن قوایی است که عقب نشینی به رژیم اسلامی و دیگر مدافعین سرمایه داری در ایران تحمیل می‌شود عملکرد چند دهه رژیم جمهوری اسلامی که با استثمار میلیون‌ها کارگر و تقلیل سطح زندگی آنها تا سرحد فقر و نابودی، سرکوب و زندان به‌مراه بوده، به روشنی به کارگران ثابت کرده است، که آنها تنها با یک مبارزه آشتی ناپذیر با دولت سرمایه داری اسلامی خواهند توانست جلو این یکه تازی رژیم را بگیرند. امروز در جریان مبارزه هر روزه کارگران برای معیشتشان، که کارگران نیشکر هفت تپه بعنوان پرچمدار این مبارزه با شعار "نان، کار، آزادی و مدیریت شورایی" نه فقط آلترناتیو بعدی جامعه ایران را مطرح کردند، بلکه این شعار توانسته به شعار متشکل شدن کارگران و متحدینش هم تبدیل شود. از سوی دیگر، طبقه کارگر ایران ادامه و رشد مبارزاتی خود را در همسویی و دنبال کردن مبارزات طبقه کارگر جهانی دنبال میکند. بدنبال موفقیتی که ۱۴۰ هزار کارگر ترکیه با یک اعتصاب سراسری برای افزایش دستمزد از طریق تشکلهایش بدست آورد، کارگران نیشکر هفت تپه هم با حمایت و تبریگی به این موفقیت بزرگ، نه فقط همبستگی خود را با یک بخش از طبقه کارگر جهانی اعلام نمودند، بلکه بعنوان تجربه ایی آن را پیش روی خود قرار داده اند که با اتکاء به نیروی همبستگی و اتحاد طبقاتی در اشکال اعتراضات گسترده و اعتصابات می‌توان به افزایش دستمزدها و یا هر مطالبه دیگری دست یافت. امروز که طبقه کارگر ایران درگیر یک مبارزه جدی برای افزایش دستمزدها با رژیم سرمایه داری ایران است، با الگو قرار دادن این مبارزه در پیش روی خود خواهد توانست پوزه زالوصفتان را در احقاق حق خود بر خاک بمالد و میزان دستمزد واقعی کارگران تا سطحی که تضمین کننده یک زندگی مرفه و شرافتمندانه باشد را متحقق سازد.

کل تاریخ مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری تا به امروز گواه این است که هیچگاه سرمایه داری به تمایل و خواست خود به مطالبات طبقه کارگر تن نداده بلکه تمامی پیشرویهای طبقه کارگر با مبارزه متشکل بدست آمده است. کارگران می‌توانند و باید با اتکاء بر نیروی خود، نه تنها مطالبات روزمره و واقعی‌شان از جمله افزایش دستمزدها را به سرمایه‌داران و حافظان منافع‌شان تحمیل کنند، بلکه در ادامه به نابودی سلطه سرمایه و اساس کارمزدی مبادرت ورزند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی در مبارزه برای ارتقاء دستمزدها

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۲۱ بهمن ۱۳۹۸ - ۱۰ فوریه ۲۰۲۰

<http://nahadha.blogspot.com/>

<https://t.me/nahadhayehambastegi>

چرا دادگاه اشغالگران هفت تپه در سکوت خبری برگزار شد؟

دستگاه به اصطلاح عدالت، با ناجوانمردی تمام کارگران هفت تپه و حامیان آنها را با مشت آهنین سرکوب کرد و از هیچ تلاشی برای سرکوب کارگران و فعالان کارگری و اجتماعی فروگذاری نکرد. زدن اتهامات مسخره همچون اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی تا تشکیل گروه جهت مقابله با نظام و اقدام علیه امنیت ملی به فعالان کارگری و اجتماعی در دستور کار نهادهای امنیتی و قضایی قرار گرفت و در ادامه آن مستند کذایی طراحی سوخته را با کارگردانی بسیار بد و فیلمنامه مضحک به روی آنتن بیست و سی بردند که واقعا این طراحی گرفتن اعترافات اجباری و پخش از صدا و سیما 40 سال است که دیگر برای ما سوخته است و به دیدن این شوهای تلویزیونی متأسفانه عادت کرده ایم!!

دستگاه های امنیتی که چند کارگر که فریاد برآوردند آید، آید دزد! و مالباخته بودند را چه بلاهایی که بر سرشان نیورد؟! از وصل کردن به نتانیاها و ترامپ تا مارکسیست ها و مجاهدین خلق تا داعش! کسی نبود به این فیلمنامه نویس بگوید، خیلی از این گروه هایی که با هم به کارگران جمع بسته ای، یک ساعت هم نمیتوانند کنار هم بنشینند!! و عقاید و نظراتشان از مشرق تا مغرب با هم فاصله دارد!!

اما حالا آقای ریسی و دوستان آمده اند و به ما وعده نزول عدالت را می دهند! خیلی هم خوب! ما تشنه عدالتیم!

اولین دادگاه اسدیگی ها و همدستانش که فعلا حداقل بیست و چند نفر هستند و اخلاص ارزی بیش از یک میلیارد دلاری دارند در سکوت کامل خبری و بدون حضور رسانه ها برگزار می شود!!! و هیچ خبری از اتهامات و کیفرخواست این مجرمان سازمان یافته بیرون نمی آید!! چطور وقتی آفتابه دزدها را محاکمه می کنند تا چند روز در بوق و کرنا می کنند و تصویر جد و آبادشان را هم نشان میدهند و کیفرخواست را نشان میدهند ولی این شاه دزدها را غیر علنی دادگاهی میکنند؟!!

آقای رئیسی!! حالا نمایندگان کارگری که بیش از یکسال زندانی کردید، به امنیت ملی ضربه زدند یا این ها که کشور را در تحریم، دلار دولتی گرفتند و به خارج از کشور قاچاق می کردند؟ اقدام فعالان کارگری که زندان رفتند، مبارزه با فساد بوده یا اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی؟! سخنران های فعالان کارگری در مبارزه با فساد اسدیگی ها که محکوم به زندان های طویل المدت کردید، باید از شما به دلیل افشای فساد به قول خودتان پاداش بگیرند یا باید به جرم نشر اکاذیب محاکمه می شدند؟!!

آقای رئیسی! شما دستگاهتان خیلی با ما کارگران هفت تپه بد تا کردید و هیچ وقت از ذهن ما پاک نخواهد شد و اگر واقعا عزم مبارزه با فساد را دارید!! حداقل کاری که می توانید بکنید این است:

کارگران جهان متحد شویم!

- 1- دلجویی از تمامی کارگران و فعالینی که در این 4 سال ناجوانمردانه مورد هجوم دستگاه های امنیتی و قضایی قرار گرفتند .
 - 2- برخورد قاطع با سهامداران فاسد و حامیان آنها بدون هیچ گونه مصلحت اندیشی و مماشاتی.
 - 3- بستن پرونده تمام فعالین کارگری و لغو احکام ظالمانه آنها
 - 4- محاکمه و انفصال از خدمت تمام مسئولان شهرستان شوش از ریاست دادگاه و دادستان و رییس سابق اطلاعات شوش و استاندار خوزستان و دادستان مرکز و سایر کسانی که در استان و یا پایتخت عامدانه و آگاهانه از فساد این خاندان خبیث حمایت کردند و بدین واسطه پول های کلانی به جیب زدند.
- ما کارگران هفت تپه منتظر هستیم ببینیم که عدالت در مورد هفت تپه چطور اجرا خواهد شد؟ دادگاه اشغالگران هفت تپه باید به صورت علنی و در حضور رسانه ها برگزار شود تا آحاد مردم بدانند که در هفت تپه چه گذشته است .
- جمعی از فعالین کارگری مستقل هفت تپه
- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

خبری از لغو احکام نیست!

- فرزانه زیلابی و جمال حیدری منش، وکلای پرونده‌ی متهمان هفت‌تپه، درباره‌ی خبر لغو احکام در اطلاعیه‌ای تکمیلی نوشتند که «تا کنون ابلاغ کتبی به وکلای پرونده یا موکلین صورت نگرفته است»
- به گزارش انصاف نیوز، آنها در این متن آورده‌اند که: «درباره‌ی اجرا یا لغو احکام موکلین، خانم سپیده قلیان، آقایان علی نجاتی، اسماعیل بخشی و محمد خنیفر تا کنون ابلاغ کتبی یا اعلام شفاهی به وکلای پرونده یا موکلین صورت نگرفته است و همزمانی انتشار این خبر با خبر جریان رسیدگی به پرونده‌ی اتهامی مدیران هفت تپه ابهام برانگیز است.
- جمال الدین حیدری منش، وکیل خانم سپیده قلیان
- فرزانه زیلابی وکیل آقایان علی نجاتی، اسماعیل بخشی و محمد خنیفر»

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

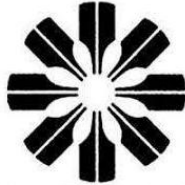
۲۷ اردیبهشت ۹۹

مرگ سومین عضو "گروپ یوروم"

ابراهیم گوکچک هنرمند اهل ترکیه پس از ۳۲۲ روز اعتصاب غذا درگذشت. او سومین نفر از گروه موسیقی "گروپ یوروم" بود که طی چند هفته‌ی اخیر در جریان اعتصاب غذا و بی‌اعتنایی دولت ترکیه به خواسته‌ها و اعتراضشان جان باختند. پیش از این هلین بولک و مصطفی کوجاک دو عضو دیگر این گروه موسیقی چپ گرا به همین دلایل جانشان را از دست داده بودند.

اعضای گروپ یوروم با درخواست‌هایی همچون رفع ممنوعیت از کنسرت‌های "گروپ یوروم"، بیرون آمدن نام موزیسین‌های این گروه از لیست سیاه و آزادی اعضای زندانی آن، دست به اعتصاب غذای نامحدود زده بودند.

ابراهیم گوکچک هفدهم اردیبهشت، یک روز پیش از مرگ، با درخواست هوادارنش و به امید اینکه وکلایش بتوانند مجوز برگزاری کنسرت برای گروپ یوروم را بگیرند، به اعتصاب غذای ۳۲۲ روزه‌ی خود پایان داده بود.



کانون نویسندگان ایران

وضعیت فاجعه بار اشتغال زنان در ایران

از ۴۰/۲ میلیون زن در ایران، ۳۳ میلیون از آنان در سن کاراند. از میان این ۳۳ میلیون نفر، فقط ۴/۳ میلیون زن، کار دارند. از بین این ۴/۳ میلیون زن شاغل، صرفاً و حدود ۱/۳ میلیون نفر شغل تمام وقت دارند.





متنی از

فرزاد کمانگر

معلمی که در سحرگاه ۱۹
اردیبهشت ۸۹ اعدام شد!

مگر می توان معلم بود
و راه دریا را به ماهیان کوچولوی این سرزمین نشان نداد؟
حالا چه فرقی می کند
از ارس باشد یا کارون،
سیروان باشد یا رود سرباز،

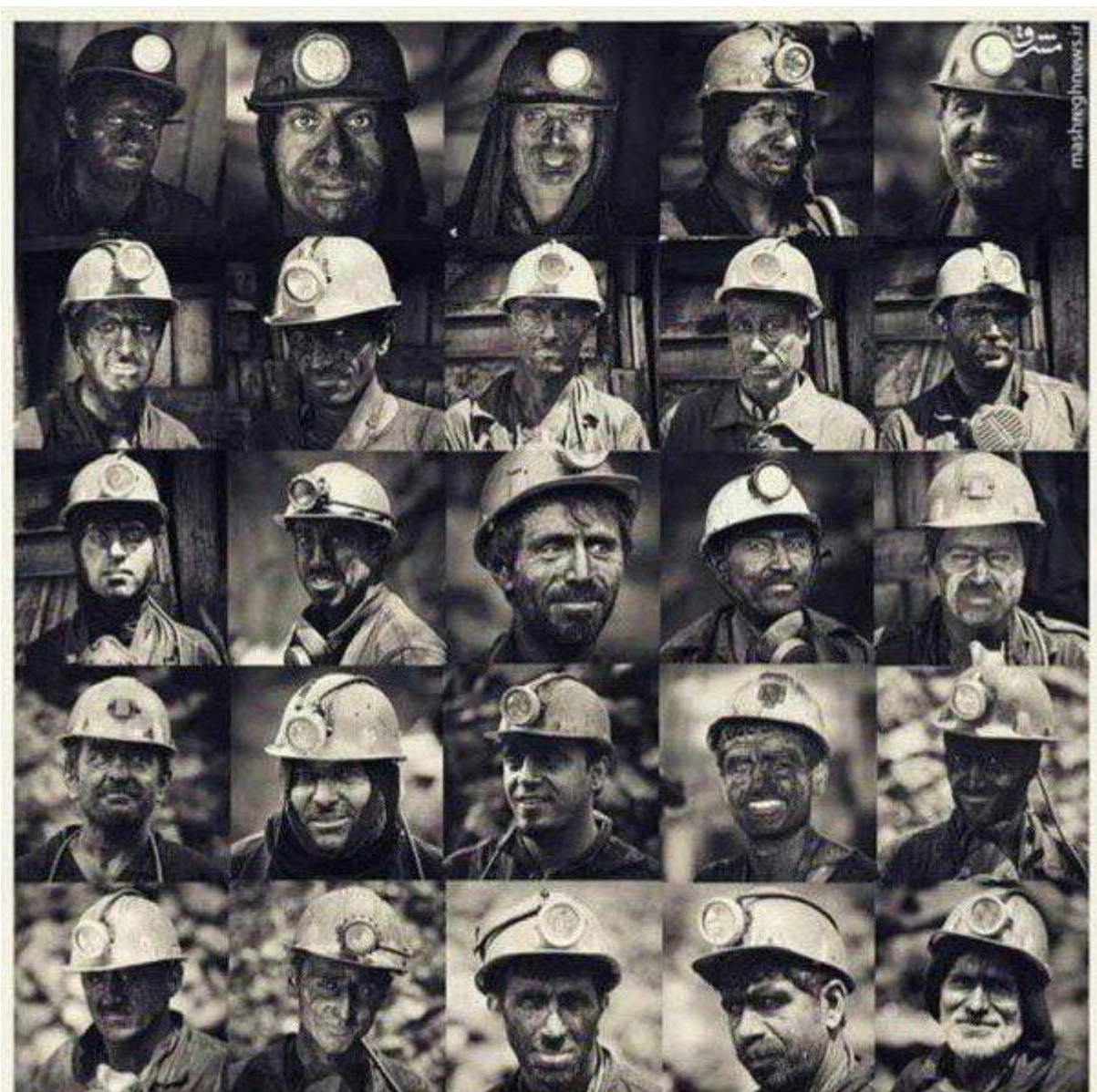
چه فرقی می کند
وقتی مقصد دریاست و یکی شدن،
وقتی راهنما آفتاب است.
بگذار پادشمان هم زندان باشد.
مگر میتوان بار سنگین مسئولیت معلم بودن و
بذر آگاهی پاشیدن را بر دوش داشت و دم برنیاورد؟

مگر می توان بغض فروخورده دانش آموزان و
چهره‌ی نحیف آنان را دید و دم نزد؟

مگر می توان در قحط سال عدل و داد معلم بود،
اما "الف" و "بای" امید و برابری را تدریس نکرد،
حتی اگر راه
ختم به اوین و مرگ شود؟

نمی توانم تصور کنم
در سرزمین "صمد"، "خانعلی" و "عزتی" معلم باشیم
و همراه ارس جاودانه نگردیم.

نمی توانم تجسم کنم که
نظاره‌گر رنج و فقر مردمان این سرزمین باشیم
و دل به رود و دریا نسپاریم و طغیان نکنیم؟ ...



در سومین سالگرد انفجار معدن زغال سنگ یورت آزادشهر که ۴۳ کارگر جان باختند و کمیته حقیقت‌یاب کارفرما را مقصر حادثه دانست، هنوز هیچ اقدامی برای مجازات و یا حتی عزل کارفرمایان انجام نشده است. زیرا سه نفر از سهامداران معدن یورت در استان گلستان، از نهاد بسیج مستضعفان وابسته به رهبر فاسد نظام هستند.

ما را در توزیع وسیع بولتن اخبار کارگری نهادهای همبستگی به زبان انگلیسی یاری رسانید!

AWNI



Alternative Workers News-Iran

a fortnightly Newspaper from:

«solidarity committees with iranian workers movment - abroad»

وبلاگ بولتن اخبار کارگری به زبان انگلیسی را به نهادها و تشکلهای کارگری جهانی بشناسانید!

<https://alternativeworkersnews.wordpress.com/>

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپنهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور